

اسلام آیین صلح و صفا

صلح و امنیت، از نیازهای اساسی جامعه انسانی است. در جامعه‌ای که افراد آن، با هم دچار اختلاف شده، به جنگ و ستیز پردازند، زندگی، بسیار سخت و توانفرسا است، استعدادها در آن متوقف می‌شود، رشد و توسعه جامعه و افراد، دچار رکود و توقف می‌گردد. از این رو در آموزه‌های قرآن، مؤمنان به صلح و صفا فرا خوانده شده‌اند و خدای سبحان، خطاب به مؤمنان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح و آشتی درآیید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».

در این آیه، مؤمنان به صلح و اتحاد و زندگی مسالمت آمیز فراخوانده شده‌اند؛ زیرا صلح و اتحاد، به منزله دژ محکمی است که انسان را از حوادث ناگوار، حفظ می‌کند.

با دقت در مفهوم آیه، چنین پرسش‌هایی، قابل طرح و بررسی‌اند: چرا مؤمنان، به صلح و اتحاد فرا خوانده شده‌اند؟ راه دستیابی به صلح و زندگی مسالمت آمیز و همچنین راه حفظ آن کدام است؟ دشمن صلح و اتحاد، چه کسانی هستند؟ چگونه می‌توان از دشمنی دشمنان صلح و اتحاد محفوظ ماند؟ برای پاسخ به سؤالات یاد شده، بحث را در چند مطلب پی می‌گیریم.

^۱ سوره بقره آیه ۲۰۸

صلح و آرامش، در پرتو ایمان

صلح و آرامش در صورتی پدید می‌آید که افراد جامعه، همگان از اصول جامع و حافظ منافع عمومی اطاعت کرده و از حقوق و مقررات مشترک، پیروی کنند و هیچ فرد یا گروهی منافع خود را بر مصالح دیگران ترجیح ندهد. چون ایمان به خدا و تسلیم در برابر فرمان او، نقطه وحدت جامعه انسانی و رمز ارتباط اقوام و ملت‌ها است، پس تنها در پرتو ایمان به خدا می‌توان به صلح و آرامش دسترسی پیدا کرد و با اتکا به قوانین مادی، هرگز نمی‌توان به جنگ و ناامنی و اضطراب پایان داد؛ زیرا عالم ماده و بیوستگی به آن، پیوسته سرچشمه کشمکش‌ها و تصادم‌ها است و این که آیه، مؤمنان را به صلح و اتحاد فراخوانده، برای آن است که مؤمنان به حکم ایمان با هم برادرند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۱.

فقط اهل ایمان با هم برادرند. اهل ایمان به لحاظ این که خود را مخلوق خدای یکتا می‌دانند و می‌دانند که همه انسان‌ها در اصل انسانیت، با هم برابرند؛ زیرا همگان دارای فطرت الهی هستند. پس خود را موظف می‌دانند از قوانین و مقررات الهی پیروی کنند و حدود الهی را در بین خود رعایت کرده و از آن تعدی ننمایند؛ چون تعدی از حدود الهی، ظلم است و ظلم و ستم نیز به حکم عقل فطری، قبیح و زشت است و باید از آن دوری کرد.

از این رو، این آیه، اولاً مؤمنان را به صلح و سازش و اتحاد دعوت کرده است و راه دستیابی به آن صلح و اتحاد و همچنین حفظ آن را در پیروی از قوانین الهی - که با مصالح واقعی آدمیان سازگار است - ممکن می‌داند.

^۱ سوره حجرات، آیه ۱۰

دشمن صلح و آشتی

بر اساس این آیه، دشمن صلح و آشتی، شیطان است؛ زیرا شیطان است که بین انسان‌ها تفرقه و اختلاف ایجاد می‌کند. در واقع، اختلاف افکنی، از هر کسی سرچشمه گیرد، از وسوسه شیطان است؛ چون اولاً راه شیطان در برابر صراط مستقیم و وحی و برهان است و ثانیاً فکر، امری وجودی است و هیچ امر وجودی‌ای خود به خود پدید نمی‌آید؛ بلکه فاعل و سببی آن را به وجود می‌آورد. ثالثاً سبب آن خود ذهن نیست؛ زیرا فکر در ذهن ایجاد می‌شود و ذهن فقط سبب قابلی آن است و نه مبدأ فاعلی آن. سبب فاعلی فکر اگر حق باشد، خدا و فرشتگان‌اند و اگر باطل باشد، القائنات شیطان است، چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ﴾؛ در حقیقت، شیطان‌ها به دوستانشان القایی وسوسه می‌کنند تا با شما به جدال بپردازند».

برای تشخیص القای شیطان یا الهام الهی، باید از عقل سالم و نقل معتبر، کمک گرفت. یکی از کارهای تخریبی شیطان، خالی کردن زیر پای مؤمنان و سست کردن عقاید آنان است که قهراً آنها را می‌لغزاند و منحرف می‌کند. شیطان، با وسوسه و سوگند دروغ؛ زیر پای آدم و حوا را خالی کرد و آنان را از آن مقام و منزلتی که داشتند، فرود آورد.

اگر انسان‌ها در برابر وسوسه‌های شیطان، انفعال و پذیرش نشان ندهند و برخی از گناهان را مرتکب نشوند، انحراف و لغزشی از راه راست دامنگیرشان نمی‌شود.

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۱

منشأ دشمنی شیطان

قرآن کریم، منشأ و سرچشمه دشمنی شیطان را چند چیز می‌داند:

الف. تکبر و برتری‌جویی شیطان در برابر انسان

ب. حسادت و تحمل نکردن کرامت انسان

ج. هبوط و سقوط او از عالم نور به عالم غرور

د: لعن و نفرین خدا و بندگانش بر او تا قیامت.

با توجه به این موارد، برای این که انسان در دام شیطان گرفتار نشود و در مسیر شیطان گام

برندارد، باید از ویژگی یاد شده پرهیز کند.